

به نام خدا

اعجاز علمی قرآن در اندیشه آیت‌الله قرشی

احد داوری
لیلا رضایی
حکیمه یاری

چکیده

تحولات سریع علمی و کشف اسرار طبیعی و تجربی، عرصه جدیدی از تحقیقات علمی را در محور قرآن پژوهی پدید آورده است و این امر به گسترش بحث تفسیر علمی آیات قرآن، البته با رویکردهای متفاوت منجر شده است. برخی با پذیرش وجود همه علوم تجربی در قرآن، آن را پذیرفته وعده‌ای کاملاً آن را مردود دانسته و گروه سوم راه اعتدال را در پیش گرفته و یافته‌های قطعی علوم تجربی را در پذیرش اعجاز علمی قرآن دخالت می‌دهند. آیت‌الله قرشی با اشاره ضمنی به اعجاز علمی قرآن، با بهره‌گیری از مبانی اعجاز علمی از جمله تصریح ائمه معصوم درباره نکات علمی، جامعیت قرآن در مسائل مربوط به امر هدایت، مسائل علمی و عقلی به عنوان کلید حل مسائل توحیدی و اعتقادی، روش معتدلانه از تفسیر علمی را در پیش گرفته است. در نوشتار حاضر از رهگذر آثار آیت‌الله قرشی، پس از بررسی مبانی فوق، برخی از آیات مربوط به علوم تجربی با رویکرد توصیفی تحلیلی مورد بررسی قرار گرفته که مهم‌ترین آن‌ها در موارد عبارتند از: رقیق‌تر شدن هوا در ارتفاعات، طبقات جو، تلقیح میوه‌ها، ثبات کوه‌ها و وزش باد.

کلید واژه‌ها: اعجاز علمی، مبانی اعجاز علمی، آیت‌الله قرشی، علوم تجربی، قرآن کریم.

-
۱. دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم ahaddavari@gmail.com
 ۲. دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم
 ۳. دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم،

سخن گفتن از معجزه به عنوان یکی از اسناد حقانیت انبیا، در طول تاریخ از مباحث جدی و مورد توجه قرآن پژوهان و مفسران بوده است. قرآن کریم به عنوان معجزه جاویدان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) ابعاد اعجاز فراوانی دارد و هر روز گوشه‌ای از عظمت آن برجانیان آشکار می‌شود. از جمله این ابعاد، مسئله اعجاز علمی قرآن کریم است. این بعد از اعجاز قرآن برای مردم عصر نزول به دلیل پایین بودن سطح دانش علمی در آن روز، زیاد محرز نبوده است هر چند اولین سخنان در خصوص تعامل قرآن و علوم تجربی را در گفتار امامان معصوم (علیهم السلام) می‌توان جستجو کرد؛ اما در عصر حاضر به دلیل پیشرفت‌های علمی بیش‌ازپیش به این جنبه از اعجاز توجه می‌شود، بنابراین توجه به نظریات عالمان معاصر در این خصوص ضروری است. با بررسی که در زمینه پیشینه این موضوع به طور خاص در آثار مؤلف احسن الحدیث صورت گرفت موردی مشاهده نگردید، لذا ضرورت این پژوهش آشکار می‌گردد. آیت‌الله قرشی از جمله مفسران معاصر هستند که در تفسیرشان به اعجاز علمی گرایش دارند و در جای‌جای تفسیرشان در ذیل آیات مربوطه، به مناسبت‌های مختلف به این بعد از ابعاد قرآن اشاراتی کرده‌اند و به فراخور مطلب علمی مدنظر به روایات معصومین (علیهم السلام) استناد جسته‌اند. از این رو در پژوهش حاضر از رهگذر آثار مؤلف احسن الحدیث به دنبال پاسخ به چگونگی بررسی اعجاز علمی در آثار ایشان و مبانی مورد استناد آیت‌الله قرشی برای تفسیر این‌گونه آیات هستیم و به ذکر مصداق‌هایی از اعجاز علمی در تفسیر ایشان خواهیم پرداخت و رویکرد پژوهش نیز توصیفی-تحلیلی خواهد بود. پیش از ورود به مبحث، مفاهیم «اعجاز» و «اعجاز علمی» را در لغت و اصطلاح بررسی مختصری نموده تا در فرایند انتقال مقصود گوینده از این واژه‌ها برای مخاطبان، خللی ایجاد نگردد.

۱. مفهوم شناسی

۱.۱. اعجاز در لغت

دیدگاه‌های اهل لغت درباره واژه «اعجاز» تقریباً با یکدیگر هم‌سوست؛ برخی مانند ابن فارس می‌گویند: «عجز به معنای پایان هر شیئی است» (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۳۶۹) مفردات در این باره می‌نویسد: «ریشه اصل واژه «معجزه» تأخر از چیزی و وقوع آن به دنبال امری است؛ ولی در عرف به معنای قصور و ناتوانی از انجام کار متداول گردیده است.» (راغب اصفهانی، ۱۳۶۱، ج ۲، ص ۵۵۴). در قاموس چنین آمده است: «عجز بر وزن فلس یعنی ناتوانی و اعجاز به معنای عاجز کردن است» (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۲۹۴)؛ بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که اعجاز به معنای ناتوان کردن برای انجام فعل هست.

۱. ۲. اعجاز در اصطلاح

دیدگاه‌ها در رابطه با معنای اصطلاحی اعجاز متفاوت است. آیت‌الله خویی در رابطه با تعریف معجزه می‌آورد: «ان یاتی المدعی من المناصب الالهیه بما یخرق نوامیس الطبیعه و یعجزه عنه غیره شاهدها علی صدق دعواه» معجزه آن است که فردی که ادعای منصبی از مناصب الهی می‌نماید کاری را انجام بدهد که فراتر از قوانین طبیعت باشد، ضمن آنکه، گواهی بر درستی ادعای او نیز باشد. (خویی، بی‌تا، ص ۳۳). آیت‌الله قرشی اعجاز را چنین تعریف می‌کند: «معنی اعجاز قرآن آن است که بشر از آوردن نظیر آن عاجز و ناتوان است، قرآن از یک نزول پیوسته این مطلب را یادآوری کرده و گوید: بشر از آوردن نظیر من ناتوان است؛ و اگر عاجز نیست یک سوره مانند مرا بیاورد این حریف طلبی قرآن و آن زبونی اهل سخن و خاصه فصحای عرب دلیل بارز اعجاز آن است.» (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۵، ص ۲۶۴).

۱. ۳. علم در لغت

«علم» در لغت به معنای دانستن و دانش هست. «قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَشْرَبَهُمْ» (بقره/۶۰) یعنی هر گروه محل آب خوردن خود را دانستند. (همان، ج ۵ ص ۳۳).

۱. ۴. علم در اصطلاح

مراد از علم در این مبحث، علوم تجربی است، یعنی علمی که با امتحان و تجربه، درستی یا نادرستی نظریه‌ها و قوانین طبیعت را بررسی می‌کند؛ پس تفسیر علمی همان توضیح دادن آیات قرآن با علم تجربی است. (رضایی اصفهانی، ۱۳۶۸، ص ۲۲).

آیت‌الله قرشی تعریف صریحی از «اعجاز علمی» ارائه نکرده است ولی با توجه به مصادیق ارائه شده در آثار ایشان می‌توان گفت: اعجاز علمی به تبیین مطالب تجربی گفته می‌شود که برای بشر عصر نزول، مشخص نبوده و در قرن‌های بعدی برای بشر کشف شده است. بنابراین تعریفی که برای اعجاز علمی توسط قرآن پژوه معاصر، در کتاب پژوهشی در اعجاز علمی قرآن ارائه شده است و در ذیل می‌آید می‌تواند تعریف مورد قبول آیت‌الله قرشی نیز باشد:

«اعجاز علمی به مطالب و اسراری گفته می‌شود که در قرآن بیان شده و در عصر نزول برای بشر معلوم نبوده ولی پس از پیشرفت علوم کشف شده است.» (همان، ص ۱۵).

۲. دیدگاه‌های مختلف در مورد اعجاز علمی

سه دیدگاه درباره‌ی اعجاز علمی در قرآن وجود دارد:

۲. ۱. دیدگاه اول

همه علوم بشری در قرآن وجود دارد. این گروه تلاش می‌کنند آیات وحی را بر دستاوردهای علوم تجربی منطبق کنند. غزالی در جواهرالقرآن و طنطاوی در الجواهر فی تفسیرالقرآن به این دیدگاه معتقدند؛ و این روش مورد نکوهش اندیشمندان اسلامی قرار گرفته است. آیت‌الله مصباح یزدی در نکوهش دیدگاه نظیر طنطاوی چنین گفته‌اند: «وی به دلیل آنکه در زمانه‌ای می‌زیست، علوم غربی، تازه به مصر راه یافته و فرهنگ اروپایی بر افکار مسلمانان سیطره پیدا کرده بود و او به گمان خود، برای آنکه مسلمانان را از فریفتگی در برابر فرهنگ غرب، در اثر تفسیری خویش بسیار کوشید تا بسیاری از مسائل علمی را با آیات قرآن تطبیق دهد» (مصباح یزدی، ۱۳۶۷، صص ۲۲۷-۲۲۶).

۲.۲. دیدگاه دوم

قرآن فقط کتاب هدایت و دین است؛ و مسائل علوم تجربی در آن جایگاهی ندارد. ابواسحاق شاطبی که از مدافعان این نظریه است، می‌گوید: «قرآن برای احکام آخرت و مسائل جنبی آن آمده است.» (شاطبی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۶۹) نویسندگان تفسیرهای «مجمع‌البیان» و «کشاف» نیز می‌نویسند: منظور از بیان همه چیز در قرآن، مسائل مربوط به هدایت و دین است. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۲۸۹ و زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۶۲۸).

۲.۳. دیدگاه سوم

دیدگاه اعتدال؛ یعنی از طرفی همه علوم بشری در ظواهر قرآن وجود ندارد و هدف اصلی قرآن نیز هدایت‌گری بشر به سوی خداست؛ و از طرفی دیگر قرآن کریم دعوت به تفکر و علم می‌کند و برخی از مثال‌ها و مطالب علمی صحیح و حق را بیان می‌کند که بیانگر اعجاز علمی قرآن است. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۱، ص ۳۸).

آیت‌الله قرشی جزء دسته سوم‌اند ایشان راه اعتدال را در پیش گرفته و با در نظر گرفتن رسالت قرآن در زمینه هدایت و تربیت به بررسی آیات دربردارنده اشارات علمی پرداخته‌اند تا جنبه‌هایی از اعجاز علمی قرآن را آشکار نمایند.

۳. وجوه اعجاز قرآن از نگاه آیت‌الله قرشی

آیت‌الله قرشی درباره جهات اعجاز قرآن که اجتماع آن‌ها بشر را از آوردن مثل آن عاجز کرده و جوه زیر را از کتاب المنار ذیل آیه ۲۳ سوره بقره نقل می‌کند:

۱- اشمال قرآن بر نظم و وزن عجیب و اسلوبی که غیر از اسلوب بلغاء و فصاحت اسلوبی که در آن زمان معمول نبود و کاملاً بدیع و بی سابقه است.

۲- بلاغت قرآن که بلاغت و فصاحت سخن‌سرایان هیچ وقت به بلاغت آن نرسید و احدی از اهل بیان در این مطلب شک نکردند. قرآن با بلاغتی القاء مطلب می‌کند که دیگران از القاء مطلب با آن بیان عاجزند.

۳- اشتغال قرآن بر اخبار غیبی نسبت به گذشتگان و نسبت به آینده. مثل خبر از غلبه روم بر فارس که بعداً تحقق یافت و اخبار از وضع و آینده منافقان که موبه‌مو جای خویش را می‌گرفت.

۴- سلامت قرآن از اختلاف و تعارض و تناقض در طول مدت ۲۳ سال. «وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا» (نساء/ ۸۲).

۵- اشتغال قرآن بر علوم الهیه و عقاید دینی و احکام و فضائل و اخلاق و قواعد سیاسی و مدنی.

۶- اینکه هیچ‌یک از گفته‌های قرآن قابل‌نقض و ابطال نیست و هر چه گفته همیشه حق و صدق بوده و خواهد بود.

۷- در قرآن مسائلی مطرح و تحقیق شده که بر بشر آن روز مجهول بود مثل «وَأَرْسَلْنَا الرِّيحَ لَوَاقِحَ...» (حجر/ ۲۲) «... أَنْ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا...» (انبیاء/ ۳۰) «ثُمَّ اسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ...» (فصلت/ ۱۱) «وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ...» (الذاریات/ ۴۹) و امثال این‌ها؛ که همین مورد اخیر، به‌طور ضمنی به اعجاز علمی قرآن اشاره دارد.

صاحب قاموس قرآن در ادامه می‌افزاید این وجوه قابل قبول و صحیح است اما راجع به مجموع قرآن است نه تک تک سوره‌ها چراکه سوره‌های مانند کوثر باوجود اینکه معجزه است، تمامی این وجوه اعجاز را دربر ندارد؛ بنابراین با استفاده از خود قرآن می‌شود گفت وجوه عمده اعجاز که در هر سوره مشهود است دو چیز می‌باشد، یکی ترکیب آن‌گونه الفاظ با حفظ آن‌گونه معانی، دیگری عدم وجود اختلاف در آن. (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۵، صص ۲۶۵-۲۶۷).

۴. مبانی اعجاز علمی از نگاه آیت‌الله قرشی

بامطالعه آثار آیت‌الله قرشی و در ذیل آیاتی که ایشان به‌عنوان اعجاز علمی، به‌اجمال یا تفصیل موردبررسی قرار داده‌اند می‌توان مباحث نظری و مبانی اعجاز علمی قرآن را از نگاه ایشان این‌گونه بیان نمود:

۴. ۱. مسائل علمی و حسی و عقلی و فلسفی در قرآن کلید حل مسائل توحیدی و اعتقادی

قرآن مجید هم به مسائل علمی و حسی نظر دارد و هم به مسائل عقلی و فلسفی و هر دو در قرآن مجید کلید حل مسائل توحیدی و اعتقادی است. آیات علمی از دلایل توحید و ربوبیت خدا و درعین حال دلیل حقایق قرآن است انسان به حکم فطرت خدادادی چون این نظام را ببیند به فکر پیدا کردن خالق و موجد آن خواهد بود. شک نیست که قرآن به مطالعه حسی طبیعت دعوت می‌کند و اصرار فراوانی هم‌روی این موضوع دارد، ولی قرآن مطالعه طبیعت را برای حل تمام مسائلی که طرح کرده است کافی نمی‌داند، بسیاری از مسائل قرآن را نمی‌توان با دلایل علمی توجیه کرد. مثلاً آیه «لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا» (انبیاء/ ۲۲) با دلایل حسی قابل‌بیان نیست بلکه باید در توجیه آن از برهان تمناع فاعلی که برهان عقلی است استفاده کرد.

معلوم است که قرآن این مطالب را فقط برای آن نگفته که مفهوم آن‌ها را بدانیم و دلیلی بر قبول آن‌ها نداشته باشیم بلکه خدا خواسته که با دلایل عقلی آن‌ها را بفهمیم و اثبات نماییم و این خود فتح باب فلسفه و عقلیات از جانب قرآن مجید است، قرآن این‌ها را به‌عنوان یک سلسله درس‌ها القا کرده و از طرف دیگر به تدبیر و تفکر در آیات قرآنی امر فرموده است خلاصه سخن آنکه قرآن مجید همان‌طور که به مسائل حسی اهمیت داده و به‌سوی آن خوانده است، به مسائل تعقلی نیز توجه فرموده است (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۶، ص ۵۰۲).

۲.۴. استناد به تصریح ائمه معصوم درباره نکات علمی قرآن

آیت‌الله قرشی در ذیل برخی از آیات علمی بعد از پرداختن به نکات علمی آیه، روایتی از امام معصوم در تأیید تفسیر علمی آیه نقل می‌کند. وجود چنین روایاتی از ائمه نشانگر وجود اعجاز علمی در قرآن و استناد مفسر به این روایات بیانگر اعتقاد مفسر به این وجه از اعجاز است.

الف - «أَيُّودُ أَحَدِكُمْ أَنْ تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِنْ نَخِيلٍ وَأَعْنَابٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَأَصَابَهُ الْكِبَرُ وَلَهُ ذُرِّيَةٌ ضُعْفَاءُ فَأَصَابَهَا إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ.» (بقره / ۲۶۶)

آیا یکی از شما خوش دارد که باغی از نخلها و تاک‌ها داشته باشد و از زیر درختان آن نهرها جاری شوند و در آن باغ از هر میوه موجود باشد، درحالی‌که او پیر شده و فرزندان ضعیف و ناتوان دارد. ناگاه گرد بادی آتش‌دار به آن باغ برسد و بسوزد؟ این چنین خدا آیات خویش را برای شما بیان می‌کند تا ببینید.

امروز معلوم شده علت آتش‌سوزی جنگل‌ها، بادهای یا گردبادهایی است که درختان را به هم سائیده و در اثر سائیده شدن آتش تولید می‌شود و جنگل می‌سوزد، این از امتیازات قرآن مجید است که به علت تولید آتش با لفظ «اعصار» که به معنی فشردن و فشار وارد کردن است، اشاره می‌کند. این است که امام صادق علیه السلام «اعصار» را باد معنی کرده است و... (همان، ج ۱، ص ۵۰۴ و قمی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۹۲).

ب - «وَيُنزَلُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ جِبَالٍ فِيهَا مِنْ بَرَدٍ فَيُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَصْرِفُهُ عَنِ مَنْ يَشَاءُ» (نور/۴۳).

از آسمان، از کوه‌هایی (از ابرهای منجمد شده) که در آن است تگرگ فرو بارد و زیان آن را به هر که خود خواهد برساند (و اشجار و کشتزار او را تباه گرداند) و آن را از هر که خواهد بازدارد (تا تگرگش زیان نرساند). این آیه، صریحاً می‌رساند در طبقات جو کوه‌هایی وجود دارد که از قطعه‌های یخ تشکیل شده‌اند.

علم امروز این حقیقت را روشن می‌کند بخارآب که از دریا برمی‌خیزد به طبقه‌ی سردی از هوا وارد شده به‌صورت سوزن‌های یخ و برگ‌های برف درمی‌آید و کوه‌هایی از یخ و برف تشکیل می‌دهد خلبانان به آن قسمت وارد شده و از وجود آن خبر داده‌اند. (قرشی ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۷۹).

در تفسیر صافی جلد ۳ صفحه ۴۴۰ و تفسیر البرهان جلد ۴ صفحه ۸۵ از امام صادق از علی علیه السلام نقل شده که «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جَعَلَ السَّحَابَ غَرَائِبِلَ الْمَطَرِ تُدْبِبُ الْبَرْدَ حَتَّى تَصِيرَ مَاءً لِكَيْلَا يَضُرَّ بِهِ شَيْئًا يُصِيبُهُ وَ الَّذِي تَرُونَ مِنَ الْبَرْدِ وَ الصَّوَاعِقِ نَقْمَةً مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَيُصِيبُ بِهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ». (کلینی، ۱۴۰۸، ج ۸، ص ۲۴۰).

خداوند ابر را به منزله‌ی غربال برای باران قرارداد، یخ را ذوب می‌کند تا به صورت آب درآید تا به چیزی که به آن مارید ضرر نرساند. پداست که ابرهای گرم در اثر بادها خود را به طبقه‌ی یخ می‌زنند و آن را آب کرده به صورت باران می‌ریزند. (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۸۰).

۳.۴. جامعیت قرآن در مسائل مربوط به امر هدایت

آیت الله قرشی در تفسیر آیه «تبیانا لكل شیء» (نحل / ۸۹) می‌گوید: غرض از «کل شیء» همه چیزهایی است که در هدایت شدن به آن‌ها احتیاج هست نه تمام اشیاء جهان، به عبارت دیگر، این کلیت نسبی است. ایشان طبق روش تفسیر نقلی خویش، در تأیید کلام خود به روایت معصوم استناد می‌جوید: «عن الصادق علیه السلام ان الله انزل فی القرآن تبیان کل شیء و الله ما ترک شیئا یحتاج الیه العباد...». (مجلسی، ۱۴۰۷، ج ۶۵، ص ۲۳۷ و قرشی، ۱۳۷۷، ج ۵، ص ۴۸۵).

طبق این گفتار می‌توان به این نکته پی برد که ایشان اعجاز علمی قرآن را در حد علوم موردنیاز در هدایت می‌دانند؛ بنابراین ظاهر آیات قرآن، بر تمام علوم بشری (با تمام فرمول‌ها و جزئیات آن) دلالت ندارد.

برخی از پژوهشگران نیز در این زمینه با آیت الله قرشی هم عقیده‌اند که در قرآن، اشاراتی به بعضی از علوم و مطالب علمی شده است که استطرادی و عرضی است ولی همه علوم بالفعل در قرآن مذکور نیست؛ و آیاتی که در این زمینه است (مثل آیه ۸۹ سوره نحل و ۳۸ و ۵۹ سوره انعام) دلالت بر این مطلب دارد که تمام احتیاجات دینی و هدایتی مردم، در قرآن به‌طور تفصیل یا مجمل ذکر شده است. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۱، ص ۴۰).

۴.۴. توجه به ظهور آیه و نکات نحوی در تفسیر علمی

آیت الله قرشی در تفسیر آیات علمی از ظاهر آیه عدول نکرده و به دنبال دلیل قطعی و یقینی در قبال چنین تفسیری هست. ایشان از جمله درباره زوجیت گیاهان در ذیل آیه ۳ سوره رعد می‌گوید:

درباره «وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ» (رعد/۳) گفته‌اند مراد از زوجین، انواع مخالف هم است مانند ترش و شیرین، خشک و تر، تابستانی و زمستانی و مانند آن‌ها. میزان از تفسیر طنطاوی نقل می‌کند که منظور آن است که نر و ماده در غنچه‌های میوه‌هاست که علم، آن را در گیاهان اثبات کرده است، میزان در جواب می‌گوید: این مسئله گرچه از حقائق علمی است ولی ظهور آیه، آن است که زوجین در خود میوه‌هاست نه در غنچه آن‌ها. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۳۹۸).

آیت‌الله قرشی در ادامه می‌گوید: مصداق «زَوْجَيْنِ اٰتَيْنِ» (رعد / ۳) برای من روشن نشد، امید است دیگران با تفکر در آن مصداق و معنی قانع‌کننده‌ای پیدا کنند. (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۵، ص ۲۰۱).

همچنین در خصوص حرکت کوه‌ها در ذیل آیه ۸۸ سوره نمل می‌نویسد: «وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسِبُهَا جَمِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ صُنِعَ اللَّهُ الَّذِي اُتَقَنَ كُلُّ شَيْءٍ اِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ» (نمل / ۸۸)؛ می‌بینی کوه‌ها را که اکنون بی‌حرکت می‌پنداری مانند ابرها راه می‌روند این کار خداست که هر چیز را محکم کرده و او به آنچه می‌کنید دانا است.

ظاهر آیه آن است که کوه‌ها با آنکه جامد به نظر می‌رسند مانند ابرها در جریان‌اند آیه قبلی و بعدی این آیه هر دو درباره قیامت است لذا بعضی از بزرگان آن‌ها راجع به قیامت دانسته و جمله تَحْسِبُهَا جَمِدَةً را حالیه یا معترضه گرفته و گوید فعلاً آن‌ها را جامد گمان می‌کنی ولی روز قیامت آن‌ها را در حالی می‌بینی که مانند ابرها در آسمان روان‌اند. علی‌هذا ظرف «تَحْسِبُهَا جَمِدَةً» دنیا و ظرف «تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ» و «تَرَى» قیامت است. آن وقت درباره «صُنِعَ اللَّهُ الَّذِي اُتَقَنَ كُلُّ شَيْءٍ» که بعد از سراب شدن کوه‌ها و تخریب عالم آمده، فرموده وقوع آخرت و انهدام دنیا، تکمیل و اتقان دنیاست و در آخر گفته در این باره دو قول دیگر هست یکی آنکه آیه راجع به حرکت جوهری است و اینکه تمام اشیاء به جوهرهایشان حرکت می‌کنند تا انتهای وجودشان و آن حشر و رجوع آن‌ها به سوی خداست، دیگری آنکه آیه راجع به حرکت انتقالی زمین است. آنگاه قول اوّل را به قرینه «تَحْسِبُهَا جَمِدَةً» مناسب دانسته و درباره قول دوّم فرموده آن نسبت به نفس آیه خوب است ولی در آن صورت آیه از آیه ماقبل و مابعد که درباره قیامت است بریده می‌شود همچنین از ذیل آیه که «اِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ» است قطع می‌گردد.

به نظر ایشان فرمایش این عده از بزرگان از چند جهت قابل‌خداست:

الف- اگر «تَحْسِبُهَا جَمِدَةً» راجع به دنیا و «تَرَى» و «تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ» راجع به قیامت بود لازم بود «تراها جامدة» یا نظیر آن بگوید زیرا کوه‌ها را واقعاً جامد می‌بینیم نه اینکه جامد گمان می‌کنیم خلاصه به گمان محلی نیست زیرا آن یقینی است و انگهی ظرف در جمله «تحسب و تری» را دنیا و آخرت دانستن مشکل است و علی‌الظاهر هر دو راجع به دنیاست.

ب- اگر «تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ» راجع به آخرت می‌بود باید گفته می‌شد «قهر الله الذي يفنى كل شيء» نه اینکه «صُنِعَ اللَّهُ الَّذِي اُتَقَنَ» زیرا وقوع قیامت هر چه باشد انهدام و فنای دنیاست لذا مناسب نمی‌آید اوّل بفرماید کوه‌ها سراب و غبار می‌شوند و نظم و محکمی خود را از دست می‌دهند و بلافاصله بگوید: «صُنِعَ اللَّهُ الَّذِي اُتَقَنَ كُلُّ شَيْءٍ» گر چه وقوع آخرت تکمیل دنیاست.

ج- آیه فقط درباره کوه‌ها است و حرکت آن‌ها را بیان می‌کند بسیار مشکل است از آیه این جمله را «و انّ الاشیاء کالجبال تتحرک بجوهرها...» استفاده کنیم و جبال را مشبّه به قرار بدهیم چنانکه با دقت روشن خواهد شد.

به نظر ایشان آیه شریفه راجع به دنیاست و می‌فرماید: کوه‌ها با آنکه شما آن‌ها را جامد و بی‌حرکت می‌دانید مانند ابرها حرکت می‌کنند. اکنون باید دید مراد از مرور جبال چیست؟ ممکن است مراد آن باشد که پوسته جامد زمین بر روی هسته آن حرکت می‌کند لذا کوه‌ها نیز به متابعت آن حرکت می‌کنند مانند حرکت ابرها، کره‌ای را فرض کنید که در میان کره دیگر است، کره اندرونی ثابت و کره بیرونی به‌طور حرکت وضعی به دور آن می‌گردد، همین‌طور پوسته زمین بر روی هسته پلاستیکی آن می‌گردد.

دانشمندان فعلی راجع به این حقیقت در کتاب‌های علمی مطالبی بیان داشته‌اند. ممکن است مراد حرکت وضعی و انتقالی زمین باشد که در هر دو، کوه‌ها نیز بالتبع روان‌اند. (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۱۲).

۴. ۵. اعجاز علمی مصداق اعجاز غیب

«... قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنَّي أَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...» (بقره ۳۳)؛ خدا گفت آیا به شما نگفتم که من نهفته آسمان‌ها و زمین را می‌دانم.

مراد از «غَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» چیزهایی است که بشر تا به حال دست‌یافته و خواهد یافت، برق، معادن، گردش کربن در طبیعت، عناصر، عجایب دریاها، صنایع موتوری نیروی بخار، علم فیزیک، علم شیمی، کشف خواص اشیاء و هزاران چیزهای دیگر از مصادیق «غیب الارض» هستند که به هنگام خلقت خلیفه، همه پنهان و هیچ‌یک کشف نشده بودند.

از طرف دیگر، عناصر تشکیل‌دهنده هوا، ابعاد خورشید و ماه و ستارگان نیروی جاذبه، عناصر تشکیل‌دهنده اجرام آسمانی، اشعه کیهانی، اسرار کهکشان‌ها رفتن به کره ماه و هزاران اسرار دیگر که بشر نائل شده و خواهد شد، همه مصداق «غیب السموات» می‌باشند که در آن روز احدی از آن‌ها خبر نداشت، این‌همه اسرار آسمان‌ها و زمین به دست بشر بیرون کشیده شده و کشیده خواهد شد. (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۹۵).

۵. برخی از مصادیق اعجاز علمی قرآن از نگاه آیت‌الله قرشی

در این مجال برخی از آیاتی را که متضمن مطالب علمی است و مورد استناد آیت‌الله قرشی قرار گرفته، بیان می‌کنیم.

۵. ۱. رقیق تر شدن هوا در ارتفاعات

«فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ» (انعام / ۱۲۵) «و هر کس را که خدا بخواهد راهنمایی‌اش کند، سینه‌اش را برای (پذیرش) اسلام می‌گشاید و هر کس را که بخواهد (به خاطر اعمالش) در گمراهی‌اش وانهد، سینه‌اش را تنگ تنگ می‌کند، گویا می‌خواهد در آسمان بالا برود این‌گونه خدا پلیدی را بر کسانی که ایمان نمی‌آورند قرار می‌دهد.»

تشبیه «كَأَنَّمَا يَصَّعَّدُ فِي السَّمَاءِ» تشبیه کامل و علمی است، انسان هر قدر در آسمان بالا رود هوا رقیق تر و کمتر می شود و در اثر نبودن اکسیژن احساس خفقان و تنگی سینه می کند، این یکی از معجزات قرآن مجید است که آن روز کسی از این خبر نداشت، استفاده از این تشبیه به عهده خواننده است. (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۳۰۸)

۵. ۲. طبقات جو

«هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (بقره / ۲۹)؛ او همان است که هر چه در زمین هست برای شما آفرید، سپس به آسمان پرداخت و آن‌ها را هفت آسمان ساخت، او به هر چیز دانا است.

دانشمندان طبقات جو را به پنج قسمت تقسیم کرده، حدود و خواص آن را نیز معین نموده‌اند بدین شرح:

۱- تروپوسفر: ارتفاع این طبقه در استوا، ۱۶ کیلومتر و در قطبین ۱۰ کیلومتر است، در همین قسمت ابرها تشکیل می شود و وضع هوای زمین تعیین می گردد، رعد، برق، برف، تگرگ و باران در این طبقه است.

۲- ستراتوسفر: این طبقه از ۱۶ کیلومتر تا ۳۲ کیلومتری ادامه دارد و در آن تندبادهای مداوم می وزد. دو شط عظیم هوایی در آن کران تا کران جهان را می نوردند نام آن دو «جریان‌های جتی» است این جریان‌ها گاهی با سرعتی معادل ۸۰۰ کیلومتر در ساعت حرکت می کنند. درجه حرارت در آن تا ۶۲ درجه زیر صفر پائین می آید.

۳- اوزون سفر: ارتفاع آن را تا ۵۰ کیلومتر تعیین کرده‌اند، در این طبقه نوعی اکسیژن وجود دارد که آن را «اوزون» نامند، این طبقه نسبتاً گرم تر و درجه حرارت آن تا حدود صفر می رسد، علت آن این است که اوزون اشعه مافوق بنفش خورشید را جذب می کند.

۴- یونوسفر: ناحیه‌ای است اسرارآمیز، از نظر رقت هوا مانند خلأ است از ارتفاع ۵۰ کیلومتری شروع شده و تا ۳۰۰ کیلومتر ادامه دارد، در ارتفاع ۸۰ کیلومتری درجه حرارت ۶۸ درجه زیر صفر و در ارتفاع ۱۷۷ کیلومتری به ۲۸۷ درجه بالای صفر می رسد!

۵- اگزوسفر: در این طبقه تقریباً جو زمین از بین رفته، بشر درباره آن جز اطلاعات ناچیز ندارد (قمرهای مصنوعی ص ۱۰ تا ۱۴ ترجمه محمود مصاحب) گویند: ضخامت هوا هزار کیلومتر است به نظر می آید باید گفته شود و الله اعلم همین طبقات هوا است که قرآن مجید آن را به هفت آسمان، تقسیم می کند، باید گفت: یا دانشمندان دو طبقه دیگر را هنوز نیافته‌اند و یا قرآن مجید در هفت شمردن نظر به خصوصی دارد.

به هر حال در قرآن کریم مجموعاً هشت بار «سماوات سبع» آمده است دقت در آن‌ها نشان می دهد که مراد همان طبقات

هوا است. (همان، ج ۱، ص ۸۴)

«وَأَرْسَلْنَا الرِّيَّاحَ لَوَاقِحَ فَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَسْقَيْنَاكُمُوهُ وَمَا أَنْتُمْ لَهُ بِخَازِنِينَ» (حجر / ۲۲).

بادها را آبتن کننده فرستادیم و از آسمان آبی نازل کردیم، از آن شمارا آب دادیم، که شما خازن و نگهدارنده آن نیستید. این آیه نیز در بیان یکی از دلایل توحید و نفوذ مشیت خدا در جهان است یکی از اسرار عجیب خلقت تلقیح میوه‌ها به وسیله بادها است که در اثر وزش بادها پرچم‌های گل‌ها به «مادگی» آن‌ها می‌رسند و گرد «پرچم‌ها» بر روی «مادگی‌ها» پاشیده شده و سبب تلقیح می‌گردد، ولی کلمه «فانزلنا» که با فاء نتیجه آمده نشان می‌دهد که منظور آن است که این تلقیح راجع به باران است، ابرها به وسیله بادها آبتن می‌شوند و یا جوّ به وسیله بادها آبتن می‌شود و بادها ابرها را از سطح اقیانوس‌ها به خشکی‌ها می‌آورند و هوا را برای باران آبتن می‌کنند، در آیات دیگر آمده: «اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَيَبْسُطُهُ فِي السَّمَاءِ كَيْفَ يَشَاءُ وَيَجْعَلُهُ كِسْفًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ...» (روم / ۴۸) از آیه معلوم می‌شود که بادها ابرها را آبتن می‌کنند (همان، ج ۵، ص ۳۴۳).

۵. ۴. کوه‌ها به مثابه میخ‌های زمین

«وَأَلْقَى فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ...» (نحل / ۱۵)؛ در زمین کوه‌هایی ثابت و محکم افکند تا شمارا میل ندهد و این سو و آن سو نیندازد و مضطرب نکند. میل و اضطراب مردم در صورتی است که زمین خودش مایل و مضطرب و لرزان باشد، در نهج البلاغه آن کتاب عظیم الشان و مجهول مانده، فرموده «وَوَدَّ بِالصُّخُورِ مَيِّدَانَ أَرْضِهِ» لرزه و اضطراب و میل زمین را با سنگ‌ها میخکوب کرد. (صبحی صالح، ۱۴۱۴ ق، ص ۳۹).

آیات صریح‌اند در اینکه کوه‌ها میخ‌های زمین و مانع لرزیدن و مضطرب شدن آن‌اند. مرکز زمین مثل پوسته آن جامد نیست و پوسته آن نسبت به مرکز، مثل پوسته تخم‌مرغ است نسبت به درون آن، زمین با حرکت‌های وضعی و انتقالی و محوری و سایر حرکت‌های دیگری که دارد اگر کوه‌ها نمی‌بود مرتباً پوسته آن که روی هسته پلاستیکی زمین قرار گرفته به این سو و آن سو می‌لغزید و زندگی را غیرممکن می‌ساخت و چه بسا که پوسته پاره می‌شد و این کوه‌ها هستند که از هر طرف سر به آسمان کشیده و چند مقابل آن در زیرزمین ریشه دوانیده و از هر طرف پوسته زمین را به زنجیر کشیده و آن‌ها بر روی هسته میخکوب کرده‌اند. در مجله مکتب اسلام شماره ۸ سال ۱۳ صفحه ۶۸ مقاله مفصل و علمی درباره لنگر بودن کوه‌ها هست که بسیار مفید و قابل دقت است. در آنجا هست که طوفان‌های روی کره زمین سرعت حرکت آن‌ها کم یا زیاد می‌کنند مثلاً در طول ۵۰ کیلومتر طوفان اگر بلندی کوه‌ها را ۲ کیلومتر در نظر بگیریم نسبت به جهت طوفان، ۸۶ میلی‌متر در ثانیه از سرعت حرکت زمین کاسته یا به آن اضافه می‌شود این افزایش‌گر چه ناچیز است ولی لرزش و ضربه آن به اندازه انفجار ناگهانی شصت و نه میلیون عدد بمب هیدروژنی ردیف ۵۰ مگا تن است (بمب هیدروژنی ردیف ۵۰ مگا تن برابر ۲۵۰۰ عدد

بمب اتمی است که در هیروشیما ژاپون مصرف شد) اگر هنگام وقوع طوفان‌های وحشتناک، زمین گرفتار این ضربه‌ها می‌شد همه‌چیز و آثار حیات از بین می‌رفت. ضربه‌گیر این ضربه‌های مخوف کوه‌هایند که به شکل کامل چرخ لنگری تغییرات ناگهانی سرعت را به تغییرات تدریجی سرعت تبدیل می‌کنند. این تحقیق با کلمه «أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ» (نحل/۱۵) خیلی مناسب است. (قرشی، ۱۳۷۱ ش، ج ۲، ص ۹).

۵.۵. وزش باد به شکل دایره، نه افقی

«...وَ تَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَ السَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ...» (بقره/ ۱۶۴)؛ در گرداندن بادها و در ابر رام شده میان آسمان و زمین آیاتی است (بر توحید و یگانگی خدا) بر گروهی که تعقل می‌کنند. وزش باد به‌طور دایره است، هوای سطح دریا از پائین وارد خشکی و هوای خشکی از بالا وارد دریا می‌شود، کلمه «تصريف» که به معنی گرداندن است ظاهراً این عنایت را دارد. گذشتگان وزش باد را افقی دانسته‌اند. (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۳۰۰).

۶. نتیجه

اعجاز علمی، رازگویی علمی و اخبار غیبی قرآن است که برای بشر عصر نزول مشخص نبوده است.

رویکرد به این شیوه تفسیر علمی یکسان نبوده و افراط و تفریط‌هایی را در پیش داشته آیت‌الله قرشی در این میان راه اعتدال را در پیش گرفته‌اند و با در نظر گرفتن رسالت قرآن در زمینه هدایت و تربیت، به تفسیر علمی گرایش نشان می‌دهند و اعجاز علمی قرآن را در جای‌جای تفسیرشان همراه با توضیحات متناسب با سطح مخاطبان نشان ارائه می‌دهند.

مبانی اعجاز علمی از دیدگاه آیت‌الله از این قرار است؛ مسائل علمی و حسی و عقلی در قرآن کلید حل مسائل توحیدی و اعتقادی‌اند، استناد به تصریح ائمه معصوم درباره نکات علمی قرآن، جامعیت قرآن در مسائل مربوط به امر هدایت، توجه به ظهور آیه و نکات نحوی در تفسیر علمی و...

بررسی برخی از آیات متناسب با تفسیر علمی، از جمله مصادیقی است که در این زمینه پرده از اسرار علمی آن‌ها برمی‌دارد؛ مواردی نظیر رقیق تر شدن هوا در ارتفاعات، هفت آسمان، تلقیح میوه‌ها، کوه‌ها به‌متنابه میخ‌های زمین، وزش بادها به شکل دایره، نه افقی.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم (ترجمه آیات برگرفته از تفسیر احسن الحدیث)
۲. نهج البلاغه (۱۴۱۴ ق)، صبحی صالح، قم: هجرت.
۳. ابن فارس، احمد بن زکریا (۱۴۰۴ ق)، ترتیب معجم مقاییس اللغه؛ قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۴. بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۱۶ ق)، البرهان فی تفسیر قرآن؛ تهران: بنیاد بعثت.
۵. خوبی، ابوالقاسم، [بی تا] البیان فی تفسیر القرآن؛ قم: موسسه احیاء آثار الامام الخویی
۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۳۶۱)، المفردات فی غریب القرآن؛ ترجمه فائزه خسروی، تهران: دارالکتاب الاسلامی.
۷. رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۱)، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، رشت: کتاب مبین.
۸. زمخشری، محمود (۱۴۰۷ ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل؛ بیروت: دارالکتاب العربی.
۹. شاطبی، ابراهیم بن موسی (۱۴۲۱ ق)، الموافقات؛ مصر: دار ابن عفان.
۱۰. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۱۱. طنطاوی، بن جوهری (۱۴۱۲ ق)، الجواهر فی تفسیر القرآن؛ بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۱۲. غزالی، محمد بن محمد (۱۳۸۹)، جواهر القرآن؛ ارومیه: انتشارات حسینی اصل.
۱۳. فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۱۵ ق)، تفسیر الصافی؛ تهران: انتشارات صدر.
۱۴. قرشی، علی اکبر (۱۳۷۱)، قاموس قرآن؛ تهران: دارالکتب اسلامیه.
۱۵. _____ (۱۳۷۷)، تفسیر احسن الحدیث؛ تهران: بنیاد بعثت.
۱۶. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳)، تفسیر القمی؛ قم: دارالکتاب.
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق)، الکافی؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۸. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ ق)، بحار الانوار؛ بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۱۹. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۶۷)، معارف قرآن؛ قم: انتشارات در راه حق.